سخنگوی سپاه تصریح کرد بازگشایی تنگه هرمز مشروط به پایبندی آمریکا به تعهدات تفاهمنامه و تمکین به مفاد توافق ایران و عمان است

همان ترتیبات ایرانی

گروه سیاسی: به نظر می‌رسد آمریکا باید به‌تدریج خود را برای پذیرش یک واقعیت جدید در خلیج فارس آماده کند؛ واقعیتی که بر اساس آن، وضعیت تنگه هرمز دیگر نمی‌تواند به شکل گذشته تعریف شود. مساله صرفا این نیست که ایران توانسته ۶ ماه تردد از این آبراه استراتژیک راهبردی متوقف کند، بلکه آنچه در هفته‌های اخیر در حال شکل‌گیری است، اقدام تهران برای تثبیت یک سازوکار جدید در تنگه هرمز است؛ سازوکاری که در آن ایران و عمان به عنوان ۲ کشور ساحلی، نقش اصلی را در تعیین ترتیبات تردد، امنیت و مدیریت هرمز بر عهده دارند و حضور یا عبور نیروهای خارجی، به‌ویژه آمریکا، نمی‌تواند بدون لحاظ کردن ملاحظات تهران باشد. گزارش‌هایی نیز در روزهای اخیر از نزدیک شدن ایران و عمان به توافق درباره مسیرهای جدید تردد و سازوکار مدیریت تنگه منتشر شده؛ موضوعی که حتی برخی رسانه‌های غرب آن را به معنای تغییر مهم در وضعیت پیشین هرمز ارزیابی کرده‌اند.

در همین چارچوب، اظهارات تازه سردار «حسین محبی» اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت تنگه هرمز صراحتا اعلام کرد «تنگه هرمز در اختیار ماست» و تأکید کرد هیچ شناور نظامی دشمن در داخل خلیج فارس حضور ندارد.

به گفته سردار محبی، تمام شناورهای جنگی دشمن دست‌کم ۴۰۰ کیلومتر از تنگه هرمز فاصله گرفته‌اند و از نظر نظامی و سرزمینی، هیچ شناوری بدون اجازه و مدیریت ایران قادر به عبور از این آبراه نیست. وی تصریح کرد آبراه واقع در نزدیکی عمان نیز به طور کامل تحت کنترل ایران قرار دارد. اما بخش مهم‌تر سخنان سردار محبی، نه در توصیف وضعیت نظامی تنگه، بلکه در تشریح مذاکرات ایران و عمان و ارتباط آن با آینده هرمز نهفته است. سخنگوی سپاه پاسداران گفت: تنگه هرمز متعلق به ایران و عمان است و تهران از یک ماه پیش مذاکراتی را با مسقط آغاز کرده که در جریان آن، ۲ طرف به نتایجی مورد قبول یکدیگر رسیده‌اند.

به گفته سردار محبی، در این مذاکرات درباره میزان سهم هر یک از ۲ کشور از آب‌های تنگه، همچنین سهم ایران و عمان از درآمدهای حاصل از آن توافق‌هایی شده است. این بخش از اظهارات وی نشان می‌دهد بحث صرفا بر سر باز یا بسته بودن تنگه نیست، بلکه تهران و مسقط در حال بررسی و طراحی یک نظم جدید برای مدیریت تردد در این آبراه هستند.

در همین حال، سخنگوی سپاه پاسداران تأکید کرد اگر آمریکا کارشکنی‌های خود را کنار بگذارد و به تفاهمنامه بازگردد، امکان بازگشایی تنگه هرمز در چارچوب تفاهم انجام شده وجود دارد اما اگر واشنگتن شرایط ایران را نپذیرد، تنگه «به هیچ عنوان» باز نخواهد شد.

بنابراین از مجموع این سخنان می‌توان چنین برداشت کرد که تفاهم تهران و مسقط درباره سازوکار آینده تردد در تنگه هرمز، تا حد زیادی به دست آمده و مساله اصلی اکنون به رفتار آمریکا گره خورده است. اگر واشنگتن از نقض تعهدات و کارشکنی دست بردارد، زمینه برای اجرای ترتیبات مورد توافق ایران و عمان و بازگشایی هرمز فراهم خواهد شد اما اگر آمریکا بخواهد همچنان با فشار نظامی و محاصره دریایی، قواعد مورد نظر خود را بر منطقه تحمیل کند، تهران نیز دلیلی برای تغییر وضعیت موجود نمی‌بیند.

البته در اینجا یک نکته مهم وجود دارد که نباید از آن عبور کرد. ایران پیش‌تر نیز تأکید کرده بود نزدیک شدن تهران و مسقط به توافق درباره سازوکار حقوقی، مدیریتی و مسیرهای تردد در تنگه هرمز، لزوما به معنای بازگشایی فوری این آبراه نیست. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه پیش از این گفته بود مذاکرات با عمان درباره سازوکار حقوقی و مدیریت تنگه و تعیین مسیرهای تردد در حال انجام است و ۲ طرف به توافق نزدیک شده‌اند اما باز شدن تنگه تابع شرایط دیگری، از جمله جبران موارد نقض تفاهمنامه اسلام‌آباد از سوی آمریکاست. مشابه این موضع را نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اتخاذ کرده بود. پیش‌تر تأکید شده بود بازگشایی هرمز مستقل از مذاکرات ایران و عمان است و تحقق آن به اجرای تعهدات آمریکا در تفاهمنامه اسلام‌آباد، رفع محاصره بنادر ایران، توقف اقدامات نظامی و تحقق سایر تعهدات مندرج در تفاهمنامه وابسته است.

در نتیجه، باید توجه داشت اجرای عملی ترتیبات جدید در تنگه هرمز در گرو آن است که آمریکا نیز تعهدات خود را اجرا کند. به همین دلیل، توپ اکنون بیش از هر زمان دیگری در زمین واشنگتن قرار دارد. در همین حال، تحولات دیپلماتیک منطقه نیز بر اهمیت این موضوع افزوده است. بر اساس اعلام برخی منابع، شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، امروز وارد تهران می‌شود؛ سفری که بنا بر گزارش‌های منتشره، در چارچوب تلاش برای کاهش تنش، تقویت ثبات منطقه و رایزنی درباره روابط تهران ـ دوحه انجام می‌شود. نخست‌وزیر قطر پیش از سفر نیز با وزیران خارجه ایران و عمان گفت‌وگوی تلفنی داشت.

اهمیت سفر احتمالی آل‌ثانی زمانی بیشتر می‌شود که آن را در کنار سفرهای اخیر ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان و بدر بوسعیدی، وزیر خارجه عمان به تهران قرار دهیم. بر اساس گزارش‌ها، سفر منیر در چارچوب تلاش‌های منطقه‌ای برای کاهش تنش ایران و آمریکا انجام شده و سفر وزیر خارجه عمان نیز به مذاکرات درباره مسیرهای جدید تردد در تنگه هرمز مربوط بوده است. بنابراین سفر احتمالی نخست‌وزیر قطر را می‌توان حلقه دیگری از یک رایزنی فشرده منطقه‌ای دانست؛ رایزنی‌هایی که نشان می‌دهد کشورهای منطقه نیز برای جلب رضایت ایران و یا حداقل تعیین تکلیف وضعیت نهایی تنگه راهبردی هرمز وارد میدان دیپلماسی شده‌اند. البته موضوع سفر نخست‌وزیر قطر به ایران می‌تواند به بحث دسترسی ایران به دارایی‌های مسدودشده‌اش مرتبط باشد. ایران تاکید کرده یکی از پیش‌شرط‌های بازگشایی تنگه هرمز، دسترسی به اموال مسدودشده‌اش است. در چنین شرایطی، شاید مهم‌ترین پیام تحولات اخیر برای واشنگتن این باشد که هرمز دیگر موضوعی نیست که بتوان با اعزام ناو، تهدید نظامی یا فشار اقتصادی، وضعیت آن را به شکل گذشته بازگرداند. ایران اکنون کنترل میدانی تنگه را در اختیار دارد، با عمان درباره سازوکار آینده آن به تفاهم رسیده و برای بازگشایی نیز شروط مشخصی دارد.

بنابراین اگر آمریکا خواهان بازگشت جریان عادی کشتیرانی در هرمز است، به نظر می‌رسد باید به جای تلاش برای تحمیل قواعد سابق، خود را با واقعیت جدید این آبراه و نقش تعیین‌کننده ایران در آن وفق دهد. در غیر این صورت، تنگه هرمز همچنان مسدود می‌ماند. همه این رویدادها در شرایطی رخ می‌دهد که دولت ترامپ مدعی است در حال آغاز بی‌سابقه‌ترین رژیم تحریم‌ها علیه ایران است. روز دوشنبه ساعاتی قبل از اعلام آغاز تحریم‌های جدید، آمریکا عاصم منیر را به ایران فرستاد و آنگونه که برخی منابع گزارش داده‌اند پیام منیر حاکی از تلاش ترامپ برای جلب رضایت ایران، بازگشت به تفاهمنامه و بازگشایی تنگه هرمز بوده است. این اقدام ترامپ با ژست‌ها و ادعاهایش مبنی بر اعمال شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد اولویت ترامپ، بازگشایی تنگه هرمز از طریق بازگشت به تفاهمنامه باشد. همین تمایل نشان می‌دهد مقامات کاخ سفید نسبت به اثرگذاری راهبرد تحریم‌ها چندان امیدوار نیستند.

رسانه‌های آمریکایی فاش کردند علاوه بر پایگاه‌های نظامی، مراکز سیا در منطقه نیز هدف حملات موشکی-پهپادی ایران قرار گرفته‌اند

عملیات ضد جاسوسی

حسین کیامنش

۶ ماه پس از آغاز جنگ آمریکا علیه ایران، ابعاد تازه‌ای از حملات متقابل تهران در حال آشکار شدن است؛ ابعادی که نشان می‌دهد دامنه حملات ایران در جریان این جنگ بسیار فراتر از پایگاه‌های نظامی و مراکز عملیاتی ارتش تروریست آمریکا در منطقه بوده است. در طول ماه‌های گذشته، تصاویر و گزارش‌های متعدد از حملات موشکی و پهپادی ایران به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس منتشر شده بود؛ حملاتی که نشان داد واشنگتن در منطقه دیگر نمی‌تواند خود را از تیررس توان موشکی و پهپادی ایران مصون بداند اما اکنون مشخص شده در کنار مراکز نظامی، بخشی از حساس‌ترین و مخفی‌ترین زیرساخت‌های اطلاعاتی آمریکایی‌ها نیز در فهرست اهداف ایران قرار داشته‌اند؛ زیرساخت‌هایی که حتی محل دقیق آنها برای بسیاری از نهادهای خارج از جامعه اطلاعاتی آمریکا ناشناخته است! اهمیت این افشاگری از آنجا ناشی می‌شود که موضوع فقط حمله به چند ساختمان متعلق به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نیست. گزارش‌های تازه نشان می‌دهد حملات ایران به شبکه اطلاعاتی آمریکا در منطقه، خساراتی در مقیاسی ایجاد کرده که مقام‌های مطلع آمریکایی آن را در تاریخ فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی آن کشور بی‌سابقه توصیف می‌کنند. به بیان دیگر، پس از آنکه طی ماه‌های گذشته مشخص شد جنگ برای پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه هزینه سنگینی داشته، اکنون نشانه‌هایی منتشر شده که می‌گوید «چشم و گوش» آمریکا در غرب آسیا نیز از تیررس ایران در امان نمانده است.

■ **افشای خسارات بی‌سابقه زیرساخت‌های اطلاعاتی آمریکا**

در همین رابطه، شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی در گزارشی فاش کرد حملات موشکی و پهپادی ایران، خساراتی گسترده به ساختمان‌ها، تجهیزات اطلاعاتی و سامانه‌های نظارتی مورد استفاده سیا و دیگر نهادهای اطلاعاتی آمریکا در غرب آسیا وارد کرده است. شبکه خبری آمریکایی در گزارش خود به نقل از ۴ فرد مطلع از میزان خسارات اعلام کرد ابعاد تخریب ایجادشده برای جامعه اطلاعاتی آمریکا «بی‌سابقه» است. ان‌بی‌سی تأکید کرد خسارت وارده نه فقط به ساختمان‌ها، بلکه به طیف متنوعی از تجهیزات و زیرساخت‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری، انتقال و پردازش اطلاعات مربوط می‌شود.

در میان مراکز آسیب‌دیده، حداقل یک دفتر سیا در ریاض عربستان و یک مرکز اطلاعاتی در استان سلیمانیه عراق قرار دارند. افزون بر این، گزارش ان‌بی‌سی از آسیب دیدن رادارها، تجهیزات نظارتی، ایستگاه‌های ثابت جمع‌آوری اطلاعات الکترونیک، سامانه‌های ارتباطات ماهواره‌ای و مراکز پردازش داده خبر می‌دهد. این موضوع نشان می‌دهد حملات ایران صرفا به یک ساختمان اداری یا یک مرکز پشتیبانی محدود نبوده، بلکه اجزایی از زنجیره‌ای را هدف قرار داده که برای فعالیت اطلاعاتی آمریکا در منطقه اهمیت دارند.

این مساله از این جهت اهمیت بیشتری می‌یابد که بخشی از این زیرساخت‌ها صرفا در خدمت سیا قرار ندارند و در سازمان‌های اطلاعاتی و ساختار نظامی آمریکا کاربرد مشترک دارند. بنابراین آسیب دیدن یک سامانه ارتباطی، مرکز پردازش اطلاعات، ایستگاه شنود یا تجهیزات نظارتی، صرفا به معنای خسارت به یک ساختمان متعلق به سیا نیست، بلکه می‌تواند بخشی از توانایی آمریکا برای مشاهده تحولات میدانی، جمع‌آوری اطلاعات الکترونیک، رصد تحرکات نظامی و پشتیبانی اطلاعاتی از عملیات نیروهایش را تحت تأثیر قرار دهد.

ان‌بی‌سی تأکید کرد گستره جغرافیایی خسارات محدود به یک نقطه نبوده است. پیش از این نیز ارزیابی‌هایی درباره هدف قرار گرفتن بیش از ۱۰۰ هدف در ارتباط با زیرساخت‌های آمریکا در منطقه منتشر شده بود اما گزارش جدید نشان می‌دهد در میان شبکه گسترده اهداف، تأسیسات اطلاعاتی آمریکا نیز جایگاه مشخصی داشته‌اند.

■ **خسارتی که سیا از زمان تأسیس ندیده بود**

شاید مهم‌ترین بخش گزارش ان‌بی‌سی، نه رقم خسارت و نه حتی تعداد مراکز آسیب دیده، بلکه توصیف منابع این شبکه از «بی‌سابقه» بودن سطح تخریب باشد. ۴ مقام مطلع به ان‌بی‌سی گفتند میزان خسارات واردشده به سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در این حملات، از هرگونه تخریب فیزیکی پیشین این نهادها گسترده‌تر بوده است. به بیان دیگر، جامعه اطلاعاتی آمریکا در طول دهه‌های گذشته، حتی در دوره جنگ‌های بزرگ و عملیات‌های نظامی متعدد، با وضعیتی مشابه مواجه نشده است. اهمیت این خبر زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم سیا در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد. یعنی ۸ دهه از فعالیت این سازمان گذشته و با وجود حضور آمریکا در جنگ‌های کره، ویتنام، افغانستان، عراق و ده‌ها عملیات نظامی و امنیتی دیگر، گزارشی که از چنین سطحی از تخریب فیزیکی همزمان تأسیسات و تجهیزات اطلاعاتی این سازمان حکایت کند، وجود نداشته است. منابع ان‌بی‌سی به صراحت گفته‌اند از زمان تأسیس سیا تاکنون، این سازمان با حملاتی علیه تأسیسات و تجهیزاتش در چنین مقیاسی مواجه نشده است.

ایستگاه‌های سازمان تروریستی ـ جاسوسی آمریکا (سیا) در کشورهای مختلف، معمولا در داخل سفارتخانه‌ها یا ساختمان‌های دیپلماتیک مستقرند و بسیاری از مراکز دیگر نیز در قالب دفاتر، خانه‌های امن، مراکز لجستیکی و سایت‌های عملیاتی فعالیت می‌کنند؛ محل دقیق این مراکز از اسرار محافظت‌شده جامعه اطلاعاتی آمریکاست. از همین رو، اصابت دقیق به چنین مراکزی، صرفا یک خسارت ساختمانی نیست، بلکه به معنای عبور ایران از لایه‌های اصلی پنهان‌کاری اطلاعاتی آمریکاست. منابعی که با ان‌بی‌سی صحبت کرده‌اند، می‌گویند تعمیر یا جایگزینی زیرساخت‌ها و تجهیزات آسیب‌دیده، میلیاردها دلار هزینه روی دست آمریکا خواهد گذاشت.

■ **رویترز یک ماه قبل چه چیزی را فاش کرد؟**

گزارش تازه ان‌بی‌سی را باید در کنار گزارشی قرار داد که خبرگزاری انگلیسی رویترز حدود یک ماه پیش منتشر کرد. رویترز در گزارشی اعلام کرد دست‌کم ۲ سایت سیا هدف قرار گرفته‌اند؛ یکی ایستگاه سیا در داخل سفارت آمریکا در ریاض و دیگری مرکزی در شرق عراق. منابع این خبرگزاری گفتند مراکز بیشتری نیز مورد اصابت قرار گرفته‌اند اما به دلایل امنیتی حاضر به اعلام تعداد دقیق یا محل آنها نشده‌اند. یکی از منابع تعداد این مراکز را «بیش از یک و کمتر از یک دوجین» اعلام کرده بود؛ یعنی در عمل بین ۲ تا ۱۱ مرکز. منبع دیگری نیز گفته بود چندین مرکز هدف قرار گرفته‌اند.

اگر این داده را در کنار گزارش ان‌بی‌سی قرار دهیم، می‌توان گفت دست‌کم چندین مرکز حساس اطلاعاتی آمریکا در منطقه در معرض حملات ایران قرار گرفته‌اند و بر اساس روایت رویترز، دامنه این حملات می‌تواند به ۱۱ سایت برسد. البته این رقم را نباید به عنوان تعداد قطعی اعلام کرد، زیرا منابع آمریکایی عمدا از ارائه عدد نهایی خودداری کرده‌اند.

رویترز جزئیات بسیار جالبی از یکی از این حملات ارائه کرده بود. ۲ مقام غربی در خلیج فارس که در جریان ارزیابی‌های اطلاعاتی قرار گرفته بودند، گفته بودند: حمله به مرکز سیا در ریاض با ۲ پهپاد ارتقایافته شاهد انجام شد. طبق این روایت، پهپاد نخست بخشی از نمای خارجی ساختمان سفارت آمریکا را شکافته و سوراخی در آن ایجاد کرده و پهپاد دوم از همان شکاف وارد ساختمان شده و منفجر شده است. رویترز گزارش داد یک یادداشت داخلی متعلق به یک سازمان اطلاعاتی غربی به این نتیجه رسیده که روسیه احتمالا در هدف‌گیری تأسیسات اطلاعاتی آمریکا در منطقه نقش داشته است. با این حال، خود رویترز تصریح کرد این ارزیابی قطعی نیست.

در روایت بخشی از محافل اطلاعاتی آمریکا، سطح دقت و اثربخشی حملات ایران به اندازه‌ای غیرمنتظره بوده که بلافاصله فرضیه کمک خارجی مطرح شده است. به عبارت دیگر، به جای آنکه موفقیت اطلاعاتی-عملیاتی ایران را بپذیرند، سعی دارند این ادعای احتمالی را مطرح کنند که روسیه اطلاعات هدف‌گیری یا فناوری‌های تکمیلی را در اختیار تهران گذاشته است.

با این حال، حتی نفس مطرح شدن چنین فرضیه‌ای نیز معنادار است، چرا که اگر یک قدرت نظامی ـ اطلاعاتی مانند آمریکا برای توضیح دقت حمله به تأسیسات فوق‌محرمانه خود ناچار شود احتمال دریافت کمک اطلاعاتی از یک قدرت سوم را بررسی کند، این موضوع به خودی خود نشان‌دهنده سطح پیچیدگی حملات ایران است.

این یعنی پاسخ‌های ایران در جنگ فقط در آسمان منطقه یا روی باند پایگاه‌های نظامی آمریکا اتفاق نیفتاده است. حملات ایران به سطحی رسیده که زیرساخت‌های اطلاعاتی پنهان آمریکا را نیز درگیر کرده؛ زیرساخت‌هایی که اساسا برای دیده نشدن، شناسایی نشدن و در امان ماندن از حمله طراحی شده‌اند.

۶ ماه پس از آغاز جنگ، آنچه از لابه‌لای گزارش‌های رسانه‌های آمریکا و غرب بیرون می‌آید، تصویری است که با روایت ساده «حمله به چند پایگاه نظامی» که آمریکایی‌ها سعی در تثبیت آن داشتند، فاصله زیادی دارد. از پایگاه‌های نظامی تا مراکز اطلاعاتی، از رادارها و ارتباطات ماهواره‌ای تا ایستگاه‌های شنود و پردازش داده، بخشی از زیرساختی که آمریکا برای حفظ حضور خود در غرب آسیا به آن متکی بود، در معرض حملات ایران قرار گرفته است.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با نماینده اهل سنت استان گلستان در مجلس خبرگان

وحدتی که نقشه‌های دشمن را ناکام گذاشت

گاهی وحدت را باید نه در شعارها، بلکه در روزهایی دید که جامعه با یک آزمون بزرگ روبه‌رو می‌شود؛ روزهایی که تفاوت‌های قومی، مذهبی و فکری می‌تواند به خط جدایی تبدیل شود یا برعکس، همه را در کنار یکدیگر قرار دهد. تجربه سال‌های گذشته به‌ویژه روزهای جنگ و بحران، برای بسیاری از مردم ایران یادآور همین تصویر است؛ تصویری از حضور گروه‌ها و اقشاری که با وجود تفاوت‌ها، در یک نقطه مشترک ایستاده‌اند. این کنار هم ماندن از کجا می‌آید و چه چیزی می‌تواند آن را پایدار نگه دارد؟ آیا وحدت تنها محصول روزهای بحرانی است یا ریشه در باورها، تجربه‌های تاریخی و مسؤولیتی دارد که بر دوش همه افراد اثرگذار جامعه قرار می‌گیرد؟

کمال آخوند غراوی، نماینده اهل سنت استان گلستان در مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با «وطن امروز» از همین مسیر می‌گوید؛ از تجربه مقاومت و همبستگی مردم در جنگ‌های مختلف، نقش رهبری و دینداری در شکل‌گیری بصیرت، مسؤولیت علما و اصحاب رسانه در حفظ انسجام و جایگاه رویدادهایی مانند «میهمانی امت احمد» در تقویت پیوند میان مسلمانان.

■ **همبستگی مردم؛ پاسخی به پروژه شکاف**

غراوی با اشاره به تجربه جنگ در حوزه‌های مختلف در ۴۷ ساله گذشته می‌گوید: «در این سال‌ها، چه در جنگ اقتصادی، چه جنگ فرهنگی و چه جنگ نظامی، مقاومت و وحدت مردم و حضور همه اقوام، ادیان و مذاهب در کنار یکدیگر، به‌خوبی دیده شده است. مردم از انقلاب حفاظت کرده‌اند، از رهبری خود تبعیت کرده‌اند و این مساله، ۲ نکته مهم را به جهانیان به‌ویژه امت اسلام نشان داده است». او تأکید می‌کند: «ملت ایران ثابت کرد اگر مردم، مسلمانان و امت اسلام از یک رهبر الهی تبعیت کنند، نقش رهبری الهی به‌خوبی آشکار می‌شود. در نگاه رهبر الهی، قومیت، تفاوت‌های مذهبی و تفاوت‌های فکری ملاک جدایی نیست، بلکه آنچه در اندیشه سیاسی، اجتماعی و مذهبی رهبر الهی اهمیت دارد، حفظ استقلال و هویت مذهبی و گرایش‌های فکری هر انسان در کنار یکپارچگی، همدلی، هم‌زبانی و همراهی همه مسلمانان بر محور مشترکات است».

نماینده استان گلستان در مجلس خبرگان با اشاره به آموزه‌های عاشورا می‌گوید: «ملت ایران، ملت امام حسین(ع) است و از مکتب امام حسین(ع) درس گرفته است. وقتی رهبر مردم، رهبری الهی باشد و آنان را به اصول دین مبین اسلام دعوت کند، مردم متحد می‌شوند و این وحدت و اتحاد، قدرت اسلام و مسلمانان را به جهانیان نشان می‌دهد». آخوند غراوی معتقد است این تجربه، برای امت اسلام نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که امروز ضعف وحدت در جهان اسلام به عنوان یکی از حلقه‌های مفقوده احساس می‌شود. به گفته او، مقاومت و وحدت شیعه و سنی در همه جنگ‌ها، از جنگ ۸ ساله گرفته تا جنگ‌های فرهنگی، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، نشان داد مردم در جبهه‌های مختلف مردمی و نظامی در کنار یکدیگرند و شهید، جانباز و اسیر داده‌اند. او این اتفاق را نشانه بصیرت معنوی مردم می‌داند و ادامه می‌دهد: «این بصیرت به وسیله رهبر الهی در جامعه ایجاد شده و امامین انقلاب، نقش رهبری را به جهانیان ثابت کرده‌اند. این تجربه همچنین برای مسلمانان الگویی شده که اگر از یک رهبر الهی تبعیت و وحدت خود را حفظ کنند، حیله‌ها و نیرنگ‌های استکبار جهانی، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به آنان آسیب برساند».

■ **وحدتی که وعده الهی را به یاد آورد**

غراوی در ادامه با اشاره به آیه «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» می‌گوید: «این وعده الهی است؛ یعنی اگر مردم در راه حق پایدار باشند و تقوای الهی داشته و از وعده‌ها و دستورات الهی تبعیت کنند، دشمنان دین هر اندازه هم برای آنان حیله و نیرنگ طراحی کنند، نمی‌توانند به آنها ضرری برسانند».

او تأکید می‌کند پیروزی، تنها به این معنا نیست که همه انسان‌ها همواره در آرامش باشند. به گفته وی، با بررسی دوره همه پیامبران پیشین، دوران نبوت، حضرت صالح(ع)، اصحاب کرام و اهل بیت پیامبر(ص) می‌توان دریافت پیروزی به این معناست که انسان به آرمان و هدفی که برای آن قیام کرده، دست یابد.

نماینده اهل سنت استان گلستان در مجلس خبرگان با اشاره به قیام امام حسین(ع) می‌افزاید: «قرن‌ها از آن واقعه گذشته و همه یاران امام حسین(ع) به شهادت رسیدند اما مرام آنها باقی مانده است؛ تا جایی که امروز حضور گسترده مردم در مراسمی مانند اربعین و تأیید راه امام حسین(ع) از سوی مسلمانان و حتی غیرمسلمانان، نشان‌دهنده ماندگاری این مسیر است».

آخوند غراوی ادامه می‌دهد: «انقلاب اسلامی نیز از قیام امام حسین(ع) نشأت گرفته و از آن تبعیت و تأثیر گرفته و به این پیروزی رسیده است. اگرچه رهبر عزیز و فرماندهان به شهادت رسیده‌اند اما مردم با وجود تفاوت‌های مذهبی و فکری، از شیعه و سنی گرفته تا دیگر گرایش‌ها، در ماه‌های گذشته هر شب به صورت خودجوش در صحنه حضور داشته‌اند. حضور اقشار مختلف، از کوچک و بزرگ، نشان می‌دهد انسجام نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه روزبه‌روز قوی‌تر شده است و این یعنی پیروزی و نماد وحدت».

■ **بصیرتی که از ایمان و تبعیت می‌آید**

غراوی، ریشه شکل‌گیری این بصیرت معنوی را در ۲ عامل اصلی می‌داند و می‌گوید: «نخست، اعتقاد معنوی و ایمان قلبی همراه با التزام عملی به دستورات دین مبین اسلام است و دوم، تبعیت از رهبری». او تأکید می‌کند: «رهبر نیز اگر به دستورات دین مبین اسلام عمل نکند و جانشین پیامبر و اولیای الهی نباشد، دعوت و هدایت او در میان ملت تأثیرگذار نخواهد بود».

نماینده اهل سنت استان گلستان در مجلس خبرگان با اشاره به تجربه تاریخی رهبران و پادشاهان مختلف می‌گوید: «در طول تاریخ افراد بسیاری رهبری کرده‌اند اما همه آنها به نتیجه نرسیده‌اند. این نشان می‌دهد کسی که می‌خواهد مردم را هدایت و رهبری کند، ابتدا باید به ایمان حقیقی و قلبی معتقد باشد و سپس التزام عملی به دین اسلام داشته باشد». او در ادامه با اشاره به آغاز دعوت پیامبر اسلام(ص) می‌گوید: «پیامبر با ۵ نفر تبلیغ اسلام را آغاز کرد و در ظاهر، این تعداد در برابر مشرکان عرب توان چندانی نداشتند اما چون کار برای خدا بود و خداوند وعده داده بود «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر دین خدا را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری خواهد کرد»، در جنگ بدر خداوند برای یاری پیامبر فرشتگان خود را فرستاد و مسلمانان پیروز شدند». آخوند غراوی می‌گوید: «این تجربه وحدت نشان می‌دهد اگر نقش رهبری و دینداری حفظ شود، وحدت نیز پایدار خواهد ماند». او در ادامه بر نقش افراد اثرگذار در حفظ این وحدت تأکید می‌کند و ادامه می‌دهد: «همه کسانی که برای مردم تبلیغ و بصیرت‌افزایی می‌کنند، از علما و روحانیون شیعه و سنی گرفته تا فرهنگیان، استادان دانشگاه، اصحاب قلم، اصحاب رسانه و همه افراد اثرگذار، باید در گفتمان و تبلیغ خود اصول را رعایت کنند و معنای درست بصیرت را به مردم منتقل کنند».

غراوی همچنین تأکید می‌کند: «در کنار این مساله، مسؤولان نیز باید با تبعیت از رهبری، با صداقت و عدالت عمل کنند تا وحدت و اتحاد امت اسلام حفظ شود و پیروزی همواره از آن مسلمانان باشد».

■ **«امت احمد»؛ الگویی برای نسل‌های آینده**

نماینده اهل سنت استان گلستان در مجلس خبرگان، برگزاری «میهمانی امت احمد» را فرصتی برای تقویت پیوند میان مسلمانان و تبدیل مفهوم وحدت به یک تجربه اجتماعی می‌داند. چهارمین دوره این رویداد در قالب «جشن‌های حماسی امت احمد» از یکم تا هشتم شهریور ۱۴۰۵ در مراکز استان‌ها با حضور اقشار مختلف مردم برگزار می‌شود؛ برنامه‌ای که قرار است با تکیه بر اشتراکات مسلمانان، زمینه حضور و همراهی بیشتر شیعه و اهل سنت را در کنار یکدیگر فراهم کند. غراوی با تأکید بر آثار چنین حضور مشترکی می‌گوید: «کنار هم بودن برای مؤمنان قوت قلب و عزت می‌آورد، برای نسل‌های آینده الگو و مسیر انقلاب و مسیر وحدت را نشان می‌دهد و برای دشمنان اسلام و مسلمانان نیز یأس و ناامیدی به همراه دارد».